

**احمدی ‌سطری، عباس‌علی،** (۱۳19- ۱۳5۹) معاون فرمانده گردان 285 تانک تیپ 2 زرهی بیستون لشکر 81 زرهی کرمانشاه نیروی زمینی ارتش. بیستم آذر، در روستای سیطر از توابع سنقر زاده شد. پدرش، محمدقلی و مادرش لیلی شرفی‌ سطری، نام داشتند و دارای یک خواهر بود (سند: 1049/م/58). پس از اخذ مدرک تحصیلی ششم ابتدایی در 1340، به استخدام ارتش درآمد و به مدت یک سال در آموزشگاه گروهبانی تهران مشغول گذراندن آموزش نظامی شد و در پایان آن، رسته زرهی را انتخاب کرد. پس از طی دوره کد تانک در مرکز زرهی شیراز در ۱۳۴۱، با درجه گروهبان‌سومی به تیپ 2 زرهی دزفول لشکر 92 زرهی اهواز اختصاص یافت. حین خدمت، به تحصیل ادامه داد و پس از اخذ مدرک دیپلم در ۱۳۵۱، در آزمون ورودی آموزشگاه افسری شرکت کرد و پس از قبولی، به جمع دانشجویان آموزشگاه افسری پیوست. در پایان دوره و برای طی دوره مقدماتی زرهی، با درجه‌ ستوان‌سومی به مرکز زرهی شیراز اعزام شد. پس از پایان دوره مقدماتی زرهی در شیراز، به لشکر ۱۶ زرهی قزوین منتقل و در تیپ همدان مشغول خدمت شد (پرونده خدمتی). در سیزدهم تیر 1349، با دختری از خاندان شلیلیان ازدواج کرد که حاصل آن، دو دختر به نام زینب متولد اول فروردین 1351 در کرمانشاه و نرگس، متولد پنجم تیر 1354 در همدان است (تصویر شناسنامه). در یکم دی 1356، به درجه‌‌ ستوان‌دومی نائل آمد (مستخرجه از ماده 1 فرمان 16425 همگانی ارتش). مخالفت‌هایی با رژیم شاه داشت و در پادگان تیپ ۳ زرهی همدان طی جلساتی با همکاران، درباره‌ مسائل مذهبی هم‌فکری می‌کردند؛ غافل از آنکه عوامل ضد اطلاعات تمام حرکات و رفت‌وآمدهای آن را کنترل می‌کرد. هم‌زمان با آغاز انقلاب، به برپایی تظاهرات و فعالیت‌های خود افزود. رفتارها و عکس‌العمل‌های او نسبت به تظاهرات مردم، سبب شد که در نهم آبان 1357 به‌وسیلۀ مأموران ساواک دستگیر شود. وی پس از ساعت‌ها تهدید و بازجویی مقدماتی توسط ضد اطلاعات‌، به زندان دژبان انتقال داده شد (حسینیا، 1382: 47‌- 49). با اوج‌گیری تحولات انقلاب اسلامی، به فعالیت‌های انقلابی خود به‌طور علنی افزود تا جایی که آجودانی لشکر ۸۱ زرهی طی نامه: 34/03/701- 10/11/1357 به معاونت نیروی انسانی نیروی زمینی شاهنشاهی (مدیریت کارگزینی افسران) نوشت: «افسر یادشده بالا در هر فرصتی برای منحرف‌کردن افکار افسران و درجه‌داران و سربازان وظیفه استفاده می‌نماید؛ ... فعالیت منحرف‌کننده وی مورد تأیید ضد اطلاعات وابسته به لشکر قرارگرفته است. با عرض مراتب فوق، استدعا می‌شود به‌منظور عدم اشاعه روش افسر مذکور در بین افسران و درجه‌داران و افراد نظامی وظیفه‌شناس و حفظ شئونات نظامی، به استناد جزء ۲ بند د ماده ۱۵ قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی، نامبرده را تسلیم کمیسیون پنج‌‌نفری نموده و نسبت به طرد وی از ارتش شاهنشاهی اقدام و نتیجه را امر به ابلاغ فرمایند. فرمانده لشکر ۸۱ زرهی سرلشکر منوچهر فوزی» (پرونده خدمتی). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از کسانی بود که برای دفاع از انقلاب و تمامیت ارضی کشور، کمر همت بست و به مقابله با تحرکات ضدانقلابی و جدایی‌طلبانه اشرار در کردستان پرداخت. به‌عنوانِ نمونه درباره‌ حوادث پاوه می‌گوید: «به‌ فرمان رهبر انقلاب، یگان‌های دیگری هم به‌سمت پاوه حرکت کردند. در ۲۶ مرداد، من گروهان خود را حاضر کرده و آماده حرکت به‌سمت پاوه شدم. عده دیگری از نظامیان هم بعد از حرکت یگان زرهی، به‌سویِ پاوه به راه افتادند. به‌محض رسیدن خبر تهاجم ستون زرهی به‌سویِ پاوه، اشرار و عناصر ضدانقلاب به وحشت افتاده و پا به فرار گذاشتند تا اینکه در بیست‌وهفتم مرداد 1358 با استقبال مردم ستم‌دیده پاوه، وارد این شهر شدیم و منطقه را پاک‌سازی کردیم. پس ‌از آن، دکتر چمران درخواست سه دستگاه تانک کرد تا شهر نوسود را از تصرف اشرار و عوامل بیگانه خارج کند. من و تعدادی از همکاران به‌طور داوطلبانه، به‌سویِ نوسود حرکت کرده و چند روز پس از سلطه بر آن شهر، به دستور فرمانده لشکر به پادگان عزیمت نمودیم.» (حسینیا، 1382: 51 و 50). معاونت نیروی انسانی نیروی زمینی ارتش طی نامه: 33/03/701/ش- 21/1/1359، ستوان زرهی عباس‌علی احمدی‌ سطری جمعی تیپ بیستون را در سِمت یکی از اعضای کمیسیون تیپ بیستون در کرمانشاه، به تیم رسیدگی به شکایات از تهران تعیین و معرفی کرده است (پرونده خدمتی). احمدی درباره‌ شروع جنگ تحمیلی عراق می‌گوید: «هنگامی‌که ارتش عراق به‌سمت مرزهای ایران پیشروی کرد و مناطق و شهرهایی را به تصرف خود درآورد؛ در چهارم شهریور ۱۳۵۹، فرماندهی شجاع، صادق و انقلابی به نام ستوان‌یکم حسین فرهادی به گروهان ما پیوست و من به سِمت معاون وی منصوب شدم. پس از آغاز جنگ تحمیلی، گروهان ما بنا به دستور فرماندهان، به‌سمت گیلان‌غرب حرکت کرد. طولی نکشید که به ما دستور دادند با هفت دستگاه تانک از گردان ۲۱۷ تانک به فرماندهی جناب سروان حصاری، در محور گردنو- سرپل و کورموش مستقر و مانع نفوذ و پیشروی نیروهای دشمن شویم» (حسینیا، 1382: 51). لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به شرح نامه: 42/03/701- 17/8/1359 به معاونت نیروی انسانی نیروی زمینی ارتش (مدیریت کارگزینی افسران) می‌نویسد: «ستوان‌دوم زرهی عباس‌علی احمدی‌سطری به علت ابراز شجاعت و رشادت در عملیات رزمی با ارتش بعث عراق، به یک سال ارشدیت مفتخر و نامبرده از اول دی 1358 به درجه‌ ستوان‌‌یکمی نائل و مراتب ترفیع وی در دستور شماره ۱۱۸۷ لشکر درج شده است» (پرونده خدمتی). سرانجام ستوان‌یکم عباس‌علی احمدی‌ سطری در چهاردهم دی 1359، براثر برخورد با مین در منطقه‌ عملیاتی گیلان‌غرب به شهادت رسید (پرونده شهادت). وی در بخشی از وصیت‌نامه خود نوشته است: «در این جهان پر از درد و زجر و شکنجه و بی‌خبری و نیاز، بهترین روش که بتواند بشر را از زندگی راضی کند، راه و روش انبیای گرامی و جانشینان به‌حق آن‌هاست. رعایت و اجرای انصاف و عدالت است و در بین رسالت عظیم پیامبران، بدون تعصب، بالاتر از حضرت محمد (ص) و یاوران و جانشینان برحق او کسی را سراغ ندارم. برای جلوگیری از گمراهی و سردرگمی بعد از فوت حضرت رسول (ص)، اسلام راستین را باید در مکتب علی (ع) و فرزندان او جست‌وجو نمود» (حسینیا، 1382: 59). **مآخذ:** پرونده خدمتی، معاونت نیروی انسانی، ستاد نیروی زمینی ارتش؛ پرونده شهادت، مدیریت ایثارگران، ستاد ن نیروی زمینی ارتش؛ تصویر شناسنامه شهید؛ حسینیا، احمد، باید رفت، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382؛ سند: 1049/م/ 58، مدیریت حادم، ستاد نیروی زمینی ارتش.